**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه**90 **– 14/ 7/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه بحث:

در جلسه گذشته فقره «**الّا ان یأتین بفاحشه مبینه**» بررسی و معنای الّا منقطعه تحلیل شد. استاد معظم معنای مطرح شده در تفسیر ماتریدی را تبیین کرده، به آن اشکال نمودند. همچنین ایشان اقوال مختلفی را در رابطه با معنای «**فاحشه مبیّنه**» نقل نمودند. در این جلسه اقوال مفسرین و ادله آنها در رابطه با معنای «**فاحشه مبیّنه**» تبیین خواهد شد. در ادامه مبحث آیات و روایاتی که در تبیین «**فاحشه مبیّنه**» نقش دارند، بررسی می‌شود.

**اقوال مفسرین در تبیین مراد از «فاحشه مبیّنه»**

نسبت به آیه اول سوره طلاق پنج تفسیر اصلی بیان شده است که مراد از «**فاحشه مبیّنه**» را تبیین کرده‌اند:

1- مراد از فاحشه مبینه، زنا است و زن تنها برای اجرای حدّ، از خانه خارج می‌شود. ابن قتیبه در تفسیر خود، غریب القرآن، می‌گوید: «**فتخرج لیقام علیها الحدّ**[[1]](#footnote-1)».

2- مراد از فاحشه مبینه، زنا است و حق سکنای زن با ارتکاب این عمل، ساقط می‌گردد.

3- سوء خلق زن نسبت به مرد و خانواده او، فاحشه مبیّنه است و این عمل، حق سکنای او را ساقط می‌کند. در احکام القرآن شافعی چنین آمده است: «**قال الشافعی: و الفاحشة: أن تبذو علی أهل زوجها، فیأتی من ذلک: ما یخاف الشقاق بینها و بینهم**»[[2]](#footnote-2). این عبارت در این معنا ظهور دارد.

4- جمع بین معنای دوم و سوم مراد از فاحشه مبیّنه است؛ یعنی از آنجا که زنا و سوء خلق، مصداق نشوز است، موجب ساقط شدن، حق سکنی می‌شود. همانطور که مطلق نشوز موجب اسقاط حق سکنای زوجه می‌شود، در زمان عده نیز این حق را از زن ساقط می‌کند. کتاب مقاتل، فاحشه مبیّنه را چنین توضیح می‌دهد: «**العصیان البیّن و هو النشوز**»[[3]](#footnote-3).

5- مراد از فاحشه، مطلق معصیت است. البته طبق این قول بهتر است گفته شود: مراد از فاحشه، مطلق فاحشه است (نه مطلق معصیت).

**روایات اهل بیت: در تبیین معنای «فاحشه مبیّنه»**

در بعض روایات مرسل (مانند مرسله صدوق;) «**فاحشه مبیّنه**» به زنا تفسیر شده است. در بعض روایات ضعیف السند (روایت **علی بن ابراهیم عن ابیه عن بعض اصحابه عن ابی الحسن الرضا7** و نیز روایت **محمد بن علی بن جعفر عن الرضا7**) این عبارت به «بد خلقی» تفسیر شده است. اگر این روایات از جهت سندی صحیح بود، جمع عرفی بین آنها ممکن بود؛ به این بیان که هر یک از روایات مذکور مثالی از فاحشه مبیّنه را ذکر کرده‌اند؛ مثلا می‌توان گفت روایتی که فاحشه مبینه را به معنای بد خلقی دانسته، فرد خفیّ فاشحه مبینه را ذکر کرده است کما اینکه تفسیر آن به زنا (که در روایات دیگری آمده بود) بیان فرد جلیّ است. به نظر می‌رسد تفسیر علی بن ابراهیم در صدد بیان این نکته است. عبارت تفسیر قمی چنین است: «**وَ مَعْنَی الْفَاحِشَةِ أَنْ تَزْنِیَ أَوْ تُشْرِفَ عَلَی الرِّجَالِ وَ مِنَ الْفَاحِشَةِ أَیْضا السَّلَاطَةُ. عَلَی زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ شَیْئاً مِنْ ذَلِکَ حَلَّ لَهُ أَنْ یُخْرِجَهَا**»[[4]](#footnote-4).

ممکن است اشکال ضعف این روایات را چنین جواب داد: این روایات تفسیری هستند و در چنین روایاتی داعی بر کذب وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت این روایات از ائمه7 صادر شده است.

در جواب از این اشکال عرض می‌کنیم: اگر چه ممکن است در چنین روایاتی داعی بر کذب وجود نداشته باشد اما این احتمال وجود دارد که برخی از روات، روایتی را از عامه شنیده باشند، اما به اشتباه آن را به امام7 نسبت دهند. ابن ابی عمیر می‌گوید: برخی از اصحاب مطالبی را از عامه شنیده‌اند اما خلط کرده، آن را به امام7 نسبت داده‌اند. از این رو با این بیان نمی‌توان اطمینان به صدور این روایات پیدا کرد بلکه باید با قرائن دیگری مراد از فاحشه را روشن ساخت.

**مستند اقوال**

ممکن است این سوال مطرح شود که به چه دلیلی برخی از عامه کلمه «**فاحشه**» موجود در این آیه را به معنای زنا تفسیر کرده‌اند؟ در جواب می‌گوییم: در بعض آیات کلمه «**فاحشه**» (نه **فاحشه مبیّنه**) به روشنی بر معنای زنا دلالت دارد. برخی از این آیات چنین است:

﴿وَ اللاَّتِی یَأْتِینَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِکُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْکُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِکُوهُنَّ فِی الْبُیُوت[[5]](#footnote-5)﴾ِ

﴿فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَیْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَیْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَی الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَاب[[6]](#footnote-6)﴾ِ

﴿وَ لاَ تَقْرَبُوا الزِّنَی إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِیلا[[7]](#footnote-7)﴾ً

همچنین ممکن است مستند برخی از عامه در تفسیر کلمه «**فاحشه**» به معنای بد اخلاقی، معنای لغوی آن باشد؛ به این بیان که یکی از معانی کلمه فحش و فاحشه، «بد دهنی» و «بد اخلاقی» است. در کتاب تاج العروس معانی مختلفی در مورد فاحشه وارد شده است:

**رجُلٌ فَاحِشٌ ذُو فُحْشٍ و خَناً مِن قَوْلٍ و فِعْلٍ.**

**و فَحّاشٌ، کشَدّادٍ: کَثِیرُ الفُحْشِ.**

**و أَفْحَشَ الرَّجُلُ إِفْحَاشاً و فُحْشاً، عَن کُراع و اللِّحْیَانِیّ: قَالَ الفُحْشَ.**

**و المُتَفَحِّشُ: الَّذِی یَتَکَلَّفُ سَبَّ الناسِ و یَتَعَمَّدُه.**

**و تَفَحَّشَ فی کَلامِه، و تَفَحَّشَ عَلَیْهِم بلِسانِه، إِذا بَذَا.**

**قالَ ابنُ بَرَّیّ: الفَاحِشُ: السّیِّی‌ءٌ الخُلُقِ، و بِهِ فُسِّرَ قَوْلُ طَرَفَةَ**[[8]](#footnote-8)**»**

او در ادامه معانی دیگری را برای زنا برمی‌شمارد که با اقوال دیگر تناسب دارد. او می‌گوید:

**الفَاحِشَةُ: الزِّنَا، نَقَلَهُ الجَوْهَریُّ. و ابنُ الأَثِیرِ، و به فُسِّرَ قَوْلُه تَعَالی إِلّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ\* قالُوا: هُوَ أَنْ تَزْنِیَ فَتُخْرَجَ للْحَدِّ** (تا اینجا به قول اول اشاره داشت.) **و قیلَ: هُوَ خُرُوجُها من بَیْتِهَا بغَیْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا، و قَالَ الشّافِعِیُّ، رَحِمَهُ اللّه تَعالَی: هُوَ أَنْ تَبْذُوَ عَلَی أَحْمَائهَا بذَرَابَةِ لِسَانِهَا فتُؤْذِیَهُم. و قَدْ تَکَرَّرَ ذِکْرُ الفُحْشِ و الفاحِشَةِ و الفاحِش فی الحَدِیثِ، و هُوَ کُلُّ ما یَشْتَدُّ قُبْحُه مِنَ الذُّنُوبِ و المَعَاصِی.و قِیلَ: کُلُّ ما نَهَی اللّه عَزَّ و جَلَّ عَنْهُ فَاحِشَةٌ، و قیلَ: کُلُّ خَصْلَةٍ قَبیحِةٍ فهیَ فَاحِشَةٌ مِنَ الأَقْوَالِ و الأَفْعَالِ، و قِیلَ: کُلُّ أَمْرِ لا یَکُونُ مُوَافِقاً للْحَقِّ و القَدْرِ**[[9]](#footnote-9)**، فهو فَاحِشٌ.**[[10]](#footnote-10)

مرحوم طبرسی ره در ذیل آیه 19 سوره نساء چنین می‌فرماید:

**فیه قولان (أحدهما) أنه یعنی إلا أن یزنین ... (و الآخر) أن الفاحشة النشوز عن ابن عباس و الأولی حمل الآیة علی کل معصیة و هو المروی عن أبی جعفر7**[[11]](#footnote-11)**.** [[12]](#footnote-12)

این عبارت ایشان بر گرفته از عبارت شیخ طوسی; در تبیان است. شیخ طوسی; نکته دیگری را در ذیل این عبارت دارد که مفید است. ایشان می‌فرماید:

**و الأولی حمل الآیة علی کل معصیة، لأن العموم یقتضی ذلک، و هو المروی عن أبی جعفر7 و اختاره الطبری**[[13]](#footnote-13)**.**

از این رو ایشان به **اصاله العموم** تمسک کرده‌اند.

**نکته**: در این عبارات علماء باید به این نکته توجه داشت که مراد آنها از «**کل معصیة**» ، «**کل معصیة ظاهرة**» است. از این رو باید به این پرسش پاسخ دهند که مراد آنها از **ظاهره** چیست؟

بر خلاف آنچه که شیخ طوسی; و مرحوم طبرسی بیان کرده‌اند، طبری آن را به معنای «**کل فاحشة**» می‌داند نه **کل معصیة**. عبارت او چنین است:

**[قال أبو جعفر:] و أولی ما قیل فی تأویل قوله: إِلَّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ أنه معنی به کل فاحشة من بذاءة باللسان علی زوجها، و أذی له و زنا بفرجها**[[14]](#footnote-14)**.**

با توجه به این عبارت طبری این سوال به وجود می‌آید که آیا **فاحشه**، مطلق معصیت است یا فاحشه قسم خاصی از معصیت می‌باشد؟

**واژه «فاحشه مبینه» در قرآن**

به نظر ما برای روشن شدن معنای فاحشه، غیر از تتبع موارد استعمال و غیر از تتبع در لغت، باید موارد استعمال این واژه در قرآن را تتبع کرد. تعبیر «**فاحشه مبینه**» سه بار در قرآن استعمال شده است. این آیات چنین است:

1- 1- ﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاَ یَحِلُّ لَکُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ کَرْهاً وَ لاَ تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَیْتُمُوهُنَّ إِلاَّ أَنْ یَأْتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَة﴾ٍ[[15]](#footnote-15)

2- 2- ﴿یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ یُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَیْنِ وَ کَانَ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرا﴾ً[[16]](#footnote-16)

3- 3- ﴿یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّکُمْ لاَ تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُیُوتِهِنَّ وَ لاَ یَخْرُجْنَ إِلاَّ أَنْ یَأْتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَة﴾ٍ [[17]](#footnote-17)

**واژه «فاحشه مبینه» در روایات**

در ذیل این آیات دو روایت وجود دارد که تعبیر «**فاحشه مبیّنه**» را بیان کرده‌اند. اما روایات دیگری نیز وجود دارد که برای این بحث مفید است.

**روایت اول**:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ7 عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «یا نِساءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ یُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ» قَالَ: الْفَاحِشَةُ الْخُرُوجُ بِالسَّیْفِ[[18]](#footnote-18).

این روایت علی بن ابراهیم در کتب ذیل نیز نقل شده است: تفسیر برهان ج 4 ص 441، بحار الانوار ج22 ص199 و ج23 ص277، نور الثقلین ج4 ص268 و کنز الدقائق ج10 ص368. کتابی که اکنون در دست ماست و به نام تفسیر قمی مطرح است، تفسیر علی بن ابراهیم نیست. جناب والد فرموده‌اند: با توجه به قرائنی، مظنون این است که این کتاب به علی بن حاتم قزوینی تعلق دارد. لکن انصاف این است که با توجه به آن قرائن، اطمینان به گفتار حاج آقا حاصل می‌شود. البته علی بن حاتم قزوینی در این کتاب بیشترین نقل را از تفسیر علی بن ابراهیم دارد و برخی از روایات (از جمله این روایت محل بحث) را از غیر علی بن ابراهیم نقل نموده است. در وثاقت علی بن حاتم قزوینی بحثی نیست و ایشان از اجلاء است[[19]](#footnote-19).

**روایت دوم**:

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا الْحُسَیْنُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُونُسَ عَنْ کَرَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ7 قَالَ: قَالَ لِی أَ تَدْرِی مَا الْفَاحِشَةُ الْمُبَیِّنَةُ قُلْتُ لَا قَالَ قِتَالُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ7 یَعْنِی أَهْلَ الْجَمَلِ. [[20]](#footnote-20)**.**

این دو روایت به خروج عایشه و ماجرای جمل اشاره دارند. کتاب تأویل الآیات این روایت را از محمد بن عباس (ابن ماهیار) نقل کرده است. تفسیر ابن ماهیار به دست صاحب تاویل الآیات رسید و او روایات بسیاری را از این کتاب نقل می‌کند. تفسیر ابن ماهیار در دست سید بن طاووس ره نیز بوده و ایشان نیز از این کتاب تفسیری، روایاتی را نقل کرده است. همچنین در کتاب مختصر الدرجات

(متعلق به سعد بن عبد الله) نیز روایاتی از این کتاب تفسیری وجود دارد. مجموعه این نقلیات در فهم سند روایت مفید است.

**روایت سوم:**

در کتاب کافی در ذیل تعبیر **﴿فَخَانَتَاهُمَا﴾**[[21]](#footnote-21) روایتی وارد شده که بسیار مهم است. این روایت در دو بخش کافی وارد شده است: مرسله زراره در جلد 2 صفحه 402 و موثقه زراره در جلد 5 صفحه 350[[22]](#footnote-22)

**روایت چهارم:**

روایت ذیل اگر چه در تفسیر آیه وارد نشده اما برای فهم آیه مفید است:

مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ7 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ9 أَوْصَانِی جَبْرَئِیلُ7 بِالْمَرْأَةِ حَتَّی ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا یَنْبَغِی طَلَاقُهَا إِلَّا مِنْ فَاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ‌[[23]](#footnote-23)

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

اصول

@mjshobeiri2

**تلگرام**

فقه

@mjshobeiri

محقق گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به دروس روزانه، با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. غریب القرآن ج 1 ص 404 [↑](#footnote-ref-1)
2. احكام القرآن، ج‏1، ص: 255 [↑](#footnote-ref-2)
3. تفسير مقاتل بن سليمان‏ ج 4 ص 363 [↑](#footnote-ref-3)
4. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج2، ص374. [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره نساء آیه 15 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره نساء آیه 25 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره اسراء آیه 32 البته این آیه چنین دلالتی ندارد که فاحشه، خصوص زنا است. [↑](#footnote-ref-7)
8. سابقا عبارتی را از طرفه نقل کرد. مولف میگوید: برخی آن عبارت طرفه را به معنای بخیل و بعضی دیگر آن را به معنای بد خلقی دانستهاند. [↑](#footnote-ref-8)
9. یعنی آنچه که موافق حق و اندازه نیست. در زبان فارسی کلمه «خر» در بعض استعمالات در معنای «بزرگ ناجور» استعمال میشود؛ مانند: خرگوش (دارای گوش بزرگ ناجور)، خرپا (کسی که پاهای بزرگ نامتعارف دارد)، خرپول (کسی که مال فراوان دارد)، خرچنگ (حیوانی که چنگال بزرگ دارد). [↑](#footnote-ref-9)
10. تاج العروس ج 9 ص 157-158 [↑](#footnote-ref-10)
11. در مجامع روایی چنین روایتی را پیدا نکردیم. [↑](#footnote-ref-11)
12. مجمع البیان، الشیخ الطبرسی، ج3، ص40. [↑](#footnote-ref-12)
13. التبيان فى تفسير القرآن، ج‏3، ص: 151 [↑](#footnote-ref-13)
14. جامع البيان فى تفسير القرآن، ج‏4، ص: 212 [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره نساء آیه 19 [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره احزاب آیه 30 [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره طلاق آیه 1 [↑](#footnote-ref-17)
18. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج2، ص193. [↑](#footnote-ref-18)
19. البته نه به این معنا که یروی عن الضعفاء نباشد. [↑](#footnote-ref-19)
20. کنز الدقائق، المیرزا محمد المشهدی، ج10، ص371. و تأويل الآيات الظاهرة، ص: 446 [↑](#footnote-ref-20)
21. سوره تحریم آیه 10 [↑](#footnote-ref-21)
22. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قُلْتُ مَا تَقُولُ فِي مُنَاكَحَةِ النَّاسِ فَإِنِّي قَدْ بَلَغْتُ مَا تَرَى وَ مَا تَزَوَّجْتُ قَطُّ قَالَ وَ مَا يَمْنَعُكَ مِنْ ذَلِكَ قُلْتُ مَا يَمْنَعُنِي إِلَّا أَنِّي أَخْشَى أَنْ لَا يَكُونَ يَحِلُّ لِي مُنَاكَحَتُهُمْ فَمَا تَأْمُرُنِي قَالَ كَيْفَ تَصْنَعُ وَ أَنْتَ شَابٌّ أَ تَصْبِرُ قُلْتُ أَتَّخِذُ الْجَوَارِيَ قَالَ فَهَاتِ الْآنَ فَبِمَ تَسْتَحِلُّ الْجَوَارِيَ أَخْبِرْنِي فَقُلْتُ إِنَّ الْأَمَةَ لَيْسَتْ بِمَنْزِلَةِ الْحُرَّةِ إِنْ رَابَتْنِي الْأَمَةُ بِشَيْءٍ بِعْتُهَا أَوِ اعْتَزَلْتُهَا قَالَ حَدِّثْنِي فَبِمَ تَسْتَحِلُّهَا قَالَ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي جَوَابٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي مَا تَرَى أَتَزَوَّجُ قَالَ مَا أُبَالِي أَنْ تَفْعَلَ قَالَ قُلْتُ أَ رَأَيْتَ قَوْلَكَ مَا أُبَالِي أَنْ تَفْعَلَ فَإِنَّ ذَلِكَ عَلَى وَجْهَيْنِ تَقُولُ لَسْتُ أُبَالِي أَنْ تَأْثَمَ أَنْتَ مِنْ غَيْرِ أَنْ آمُرَكَ فَمَا تَأْمُرُنِي أَفْعَلُ ذَلِكَ عَنْ أَمْرِكَ قَالَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ تَزَوَّجَ- وَ كَانَ مِنِ امْرَأَةِ نُوحٍ وَ امْرَأَةِ لُوطٍ مَا قَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كٰانَتٰا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبادِنا صالِحَيْنِ فَخانَتاهُما فَقُلْتُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَسْتُ فِي ذَلِكَ مِثْلَ مَنْزِلَتِهِ إِنَّمَا هِيَ تَحْتَ يَدَيْهِ وَ هِيَ مُقِرَّةٌ بِحُكْمِهِ مُظْهِرَةٌ دِينَهُ أَمَا وَ اللَّهِ مَا عَنَى بِذَلِكَ إِلَّا فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَخَانَتَاهُمَا مَا عَنَى بِذَلِكَ إِلَّا وَ قَدْ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فُلَاناً قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَمَا تَأْمُرُنِي أَنْطَلِقُ فَأَتَزَوَّجُ بِأَمْرِكَ فَقَالَ إِنْ كُنْتَ فَاعِلًا فَعَلَيْكَ بِالْبَلْهَاءِ مِنَ النِّسَاءِ قُلْتُ وَ مَا الْبَلْهَاءُ قَالَ ذَوَاتُ الْخُدُورِ الْعَفَائِفُ فَقُلْتُ مَنْ هُوَ عَلَى دِينِ سَالِمٍ أَبِي حَفْصٍ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ مَنْ هُوَ عَلَى دِينِ رَبِيعَةِ الرَّأْيِ قَالَ لَا وَ لَكِنَّ الْعَوَاتِقَ لَا يَنْصِبْنَ وَ لَا يَعْرِفْنَ مَا تَعْرِفُونَ [↑](#footnote-ref-22)
23. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص512. [↑](#footnote-ref-23)